

تبعیت از هدایت الهی اولین راه تحصیل آرامش

در روایت شریف است که :

هر کس بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات بفرستد خداوند متعال باب جدیدی از عافیت را به روی او باز خواهد کرد .
در روایتی دیگر حضرت رسول اکرم علیه السلام فرمودند : من صلی علی مره لم یبقی من ذنوبه ذره .

در قرآن کریم خداوند متعال افرادی را معرفی می کند که به برکت حرکت در راه خدا از آرامش باطنی برخوردارند . به ترتیب آیات الهی در آیه ۳۸ سوره بقره اولین گروه که دارای آرامش باطنی هستند کسانی اند که از هدایت الهی تبعیت می کنند .

« قلنا اهبطوا منها جميعا فاما ياتينكم منى هدى فمن تبع هداى فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون »

زمانی که خداوند متعال به آدم و حوا خطاب هبوط داد ، هدایت را برای آنها فرستاد (قلنا اهبطوا منها جميعا فاما ياتينكم منى هدى)
چون زمین جایی بود که ظلمت آنجا را گرفته بود (فى ظلمات الارض) .

حال به این موضوع می پردازیم که هدایت مورد اشاره در این آیه چیست ؟

اولا هادی خود ذات مقدس الهی است . یکی از اسماء خداوند هم اسم مبارک هادی است . در آیات قرآن کریم هم خداوند عالم هدایت را مختص خود می داند . در سوره لیل فرموده است : « ان علينا للهدى »

هیچ کس به غیر خداوند متعال قدرت هدایت ندارد و حتی خداوند عالم از وجود مقدس رسول مکرم اسلام هم سلب هدایت کرده است
و در قرآن فرموده است : « انك لا تهدي من احببت و لكن الله يهدي من يشاء »

نکته قابل توجه اینکه اگر در زیارت جامعه کبیره از ائمه معصوم علیهم السلام به « هداه المهدیین » تعبیر می شود این است که این
حضرات به اذن خدا هدایت کننده هستند و همان مجرای هدایت الهی می باشند .

در قرآن کریم چهار مصداق برای هدایت بیان شده است :

الف (اولین مصداق هدایت خود قرآن کریم است ؛ « شهر رمضان الذی انزل فيه القرآن هدى للناس »

هر کس از قرآن کریم تبعیت نماید در آرامش کامل به سر خواهد برد چون قرآن کتاب نور است . قرآن نوری است در ظلمات دنیا . دنیا
شب است . از اول خلقت تا صبح روز قیامت لیل است . البته در قرآن هم لیل آمده و هم لیل طویلا به کار رفته است . منظور قرآن از لیل

طویلا برزخ است . (و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون)

نکته اینکه برزخ انسان می تواند در همین دنیا باشد ؛ در روایت است : اذا مات الميت قامت قیامته .

تمام دنیا شب است و یک شب است و آن هم شب قدر است . شب قدر ظاهری دارد که شب ۲۳ ماه مبارک رمضان است . (در جزء ۲۳
قرآن و در سوره یس آیه « و کل شیء احصیناه فی امام مبین » آمده است که تبیین کننده مقام امامت است و قرآن و عترت عدل

همدیگرند و البته شب قدر در اختیار امام مبین است و به این علت شب ۲۳ ماه مبارک رمضان دارای اهمیت بسیار زیادی است) و یک
باطنی دارد که باطن آن از اول خلقت است تا روز قیامت و آن وجود مطهره فاطمه زهرا سلام الله علیها است . از اول خلقت تا روز قیامت

جلوه ایشان است . الان همه ما در شب قدر به سر می بریم و در حال استفاده از بهره شب قدر می باشیم . اینکه عرض می شود از اول
خلقت تا صبح روز قیامت که قرار است شمس ولایت حضرت علی علیه السلام طلوع کند شب حضرت زهرا سلام الله علیها است باید دقت

شود که هیچ یک از حضرات ائمه علیهم السلام تفسیر به لیله نشده اند . رسول خدا به خورشید تفسیر شده اند . دوازده امام معصوم علیهم
السلام به قمر تعبیر شده اند . (و الاقمار المنیره و الانجم الزاهره) . حالا باید دقت شود که اگر عرض می شود حضرات ائمه علیهم

السلام قمر هستند ؛ قمر در روز جلوه دارد یا در شب ؟ حضرت فاطمه سلام الله علیها آن سیاهی شب است که زمینه طلوع ماه را فراهم
می کند . اگر حضرت زهرا سلام الله علیها که شب است ، نباشند ، ماه که اهل بیت علیهم السلام باشند جلوه ای نخواهد داشت . دقت شود

حضرت مهدی علیه السلام در شب طلوع می کنند . این مطالبی که بیان شد دلیل همان حدیث شریف امام حسن عسکری علیه السلام
است که فرمودند : نحن حجج علی الخلق و الفاطمه الزهرا حجه الله علینا .

در یک بیان شریف پیامبر گرامی اسلام فرمودند : انا السماء ؛ یعنی ایشان از حضرت فاطمه علیها سلام بالاتر هستند .

پس لیلله القدر یک شب است و از اول ورود آدم شروع شده است و تا حتی مطلع الفجر هم ادامه دارد . از حضرت صادق آل محمد
علیه السلام سوال شد : یابن رسول الله ؛ منظور از فجر چیست ؟ فرمودند : فجر فرزند ما حضرت مهدی علیه السلام است .

بیان شد که شب تاریک است . تاریکی ظلمت ایجاد کرده است . در ظلمت کسی چراغ نداشته باشد ممکن است در چاله یا چاهی بیفتد ،
ممکن است به کسی ظلم بکند . باید دقت شود که تمام گناهان و معاصی از یک چیز سرچشمه می گیرد و آن ظلمت است . البته در

ظلمت یک خیری هم وجود دارد و آن این است که اگر ظلمت نباشد اهمیت نور مشخص نخواهد شد. خدای متعال به برکت ظلمات است که نور را نشان می دهد. در این ظلمت خداوند متعال یک نوری قرار داده است به نام «هدی»؛ هدی به معنای نور است. حالا طبق آیه ۳۸ بقره هر کس از این هدای تبعیت نکند هیچگونه خوف و حزنی نخواهد داشت. هر کس می خواهد آرامش داشته باشد باید تابع امر باشد و از این هدایت الهی تبعیت نماید. باید از تبعیت نفس خارج شد و به تبعیت از اوامر و نواهی الهی مشغول شد تا به مقام امن که زوال خوف و حزن است برسیم.

علامت کسانی که به مقام تبعیت از هدایت الهی رسیده اند این است که با این جمله ی «به نظر من» خداحافظی می کنند. کسی که تابع هدایت شده باشد تمام افعال و اقوالش طبق نظر حضرت حق است. البته ما تاکید بر واژه نداریم؛ ممکن است کسی تابع نظر اهل بیت علیهم السلام و خدای متعال باشد و این جمله هم عادت لسانش باشد. به عنوان مثال؛ عده ای می خواستند با یک کمونیست جلسه ای برقرار کنند تا با هم مذاکره داشته باشند، شخص کمونیست گفته بود ان شاء الله عصر ساعت فلان در فلان محل باشیم. البته این جای تعجب ندارد بلکه از فطرت پاک الهی سرچشمه می گیرد.

ب) دومین مصداق هدایت، عترت است.

خود هدای در مجموعه روایات آل الله تعبیر به اهل بیت علیهم السلام شده است. الان حضرت مهدی علیه السلام هدای هستند. وجود مطهر سیدالشهداء علیه السلام مصباح الهدی هستند. امیرالمومنین علیه السلام هدای مطلق هستند. زمانی که عرض می شود امام حسین علیه السلام مصباح الهدی هستند به معنای این است که در کربلا چراغی است که حضرت علی علیه السلام را نشان می دهد. الان هم اگر دقت شود می گویند: کربلای معلی؛ یعنی کربلا تحت سیطره علوی است.

ج) سومین مصداق هدایت، بیت الحرام است.

مکه مکرمه یک چراغ راه است. «ان اول بیت وضع للناس للذي مبارکه فيه آیات بینات مقام ابراهیم هدی للعالمین» پس نتیجه گرفته می شود که سعی صفا و مروه و عرفات و منا و مشعر الحرام و ... همه برای هدایت جهانیان است. هر کس بخواد راه را گم نکند و طی مسیر نماید باید تابع هدایت مکه مکرمه باشد.

البته تمام این مطالبی که عرض شد ظاهر آیه است؛ باطن آیه این است که مولا علی علیه السلام فرمودند: **انا بیت الله - نحن کعبه الله** الان مکه کعبه اسلام است، کربلا کعبه ایمان است. مکه کعبه اجساد است، کربلا کعبه قلوب است.

در روایات آمده است زمانی که امام زمان علیه السلام به ظاهر تشریف می آورند، قبله را از مکه به سوی کربلا بر می گردانند. البته به این معنا نیست که باید به سمت کربلا نماز بخوانیم بلکه منظور این است که قلوب مردم در زمان حضرت حجت علیه السلام جملگی متوجه کربلای معلی می شود.

در کتاب کامل الزیارات نقل شده است که: رسول مکرم اسلام فرمودند: **کربلا قبه الاسلام**؛ قبه آن چراغی را می گویند که روی گنبد حضرت رضا علیه السلام است و انسان از روی آن چراغ متوجه حرم رضوی می شود. حالا کربلا قبه اسلام است یعنی اگر کسی می خواهد اسلام را بشناسد باید با کربلا آشنا شود.

رفتن به مکه شرط دارد و شرط آن استطاعت مالی است (و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا) ولی رفتن به کربلا شرط ندارد. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسانی که فقیر هستند سالی یک بار به کربلا بروند و کسانی که ثروتمند هستند سالی دو بار به کربلا بروند. عرض شد اگر پول ندارید قرض کنید؛ از جاهائی که قرض کردن مستحب است برای رفتن به کربلاست.

د) چهارمین مصداق هدایت، تورات و انجیل است.

در آیه ۴ سوره مبارکه آل عمران آمده است: «و انزل التورات و الانجیل من قبل هدی للناس»

در ادامه خواهیم گفت: یکی از علائم کسانی که هدایت را قبول کرده اند «یومنون بما انزل الله من قبلک» است. البته نه این تورات و انجیلی که الان موجود است. تورات و انجیلی که در آن نام های فارقلیتا (محمد)، ماتیو (مهدی)، ایلا و ایلیا (علی) آمده است. حالا مطلب مهم این است که آیا قبول کردن هدایت الهی برای انسان آرامش می آورد؟ خیر اینگونه نیست بلکه تبعیت از هدایت الهی لازم است (فمن تبع هدای فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون).

عرب در لغت تبعیت را به معنای ارتماس آورده است. ارتماس به رسم کردن معنا شده است. انسان قلم بر می دارد و یک چیزی را می کشد. تا زمانی که قلم روی کاغذ در حال رسم کردن است ارتماس می گویند. پس از این مطلب این نکته فهمیده می شود که تبعیت یعنی اینکه انسان یک سر سوزن از هدایت الهی نباید فاصله بگیرد.

*** سلمان محمدی (رسول خدا فرمود: سلمان بهتر از لقمان است) می گوید: داشتم به محضر رسول خدا شرفیاب می شدم. در راه که می آمدم یک جای پا بیشتر ندیدم. ولی زمانی که به محضر رسول الله مشرف شدم مشاهده کردم حضرت علی علیه السلام هم حضور

دارند . قضیه را از امیرالمومنین علیه السلام جويا شدم . حضرت علیه السلام فرمودند : سلمان من پايمن را دقیقاً در جای پای مبارک رسول خدا می گذاشتم . این به معنای تبعیت محض از مولاست . تا اینجا به بیان مفهوم هدایت و مصادیق هدایت الهی در قرآن کریم پرداختیم حال می خواهیم به آثار تبعیت از هدایت الهی بپردازیم . در قرآن کریم چهار نتیجه برای تبعیت از هدایت الهی عنوان کرده است :

۱) نداشتن خوف

اولین چیزی که خداوند عالم از شخص تابع هدایت می گیرد خوف است . دنبال اهل بیت علیهم السلام که باشیم دیگر جای نگرانی برای مردن و برزخ و قیامت نیست . رسول خدا فرمودند : محبت علی علیه السلام حلقه های در بهشت است . یعنی کسی اگر مولا علی علیه السلام را دوست داشته باشد همین الان دنیا و برزخ و قیامت را طی کرده است و به بهشت رسیده است . کسانی که دائماً با حضرت علی علیه السلام مانوس باشند دیگر اهل دنیا و برزخ و قیامت نیستند بلکه اهل الله هستند .

۲) نداشتن حزن

به برکت تبعیت از هدایت الهی شخص تابع هدایت دیگر هیچگونه حزنی نخواهد داشت و همه از بین خواهد رفت .

۳) ذات اقدس اله در سوره طه فرموده است : « فَمَنْ تَبِعَ هَدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى »

شخص تابع هدایت الهی گمراه نخواهد شد و در زندگی اهل شقاوت نخواهد بود بلکه اهل سعادت است . یعنی کسانی که نگران عاقبت به خیری ایشان هستند نگاه کنند ببینند حضرت علی علیه السلام را دوست دارند یا نه ؟ اگر حضرت علیه السلام را دوست دارند ، نگران عاقبت به خیری نباشند .

*** رسول خدا نشسته بودند ، حضرت علی علیه السلام هم نزد حضرت حضور داشتند . شخصی وارد شد عرض کرد یا رسول الله من نگران عاقبت به خیری ام هستم ؟ آقا فرمود : اتحب هذا الغلام ؟ آیا این جوان را دوست داری ؟ عرض کرد : جانم فدای ایشان . رسول خدا به ایشان فرمودند : پس نگران نباش .

در یک بیان دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمودند : محبت ما اهل بیت علیهم السلام زمانی آثارش نمایان می شود که جان به حلقوم برسد . وقتی جان به حلقوم برسد وقت آمدن ابلیس برای سرقت ایمان است .

*** روزی رسول خدا و امیرالمومنین علیهم السلام نشسته بودند . ماری در حال رد شدن بود . حضرت علی علیه السلام خواست با چوب بر سر مار بزند . رسول خدا فرمود : یا علی ! انه ابلیس . بعد رسول خدا فرمود : علی جان من با ابلیس شرطها بسته ام . یکی از شروطی که با من کرده است این است که هر کس دشمن تو باشد او در رحم مادرش شریک خواهد شد . (و شارکهم فی الاموال و الاولاد) یعنی هر کس بغض علی بن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه را داشته باشد بدانید ولد حرام است .

پس این که الان همه ی ما علی علیه السلام را دوست داریم به دلیل این است که طیب ولادت داریم و اساس کار پاک است . و اینکه گفتیم همه به بهشت می رویم هم درست است ؛ اما دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز نخواهد داشت . دیر رفتن به بهشت مربوط به زمانی است که ما محبت را داریم ولی تبعیت نداریم . زود رفتن به بهشت مربوط به زمانی است که در عین داشتن محبت ، تبعیت هم وجود داشته باشد . البته محبت ، مبنای تبعیت است .

*** شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد : یابن رسول الله دعا کنید ما به بهشت برویم . آقا فرمودند : من دعا می کنم خدای متعال شما را از بهشت رضوان الهی بیرون نکند . عرض کرد : یعنی چه ؟ آقا فرمودند : مگر ما را دوست نداری ؟ عرض کرد : فدای شما بشوم . آقا فرمودند : این معنای بهشت است . (البته این شخص تبعیت هم داشته است)

نکته اینکه همین الان محب علی علیه السلام در بهشت است . این آرامش باطنی و شادی و سرور باطنی همه مربوط به بهشت است . بعد که آن ور تشریف بردید پرده ها کنار رفته و حقیقت بهشت را هم مشاهده خواهید کرد .

۴) ذات اقدس اله فرموده است : « لتكبر الله على هدى »

کسانی که به هدایت الهی راه یافته اند خداوند متعال را بزرگ می دانند .

مطلب مهم و اساسی این است که « هدایت الهی » چیست ؟

در جلد اول تفسیر برهان جناب عیاشی از جابر بن عبد الله انصاری نقل می کند که : از امام باقر علیه السلام از تفسیر آیه « فَمَنْ تَبِعَ هَدَايَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ » سوال کردم . امام باقر علیه السلام فرمودند : تفسیر الهدی علی علیه السلام .

پس اگر دنبال حضرت علی علیه السلام برویم جای هیچگونه خوف و حزنی نخواهد بود .

*** روزی حضرت علی علیه السلام در دکه القضاء نشسته بودند . حضرت علیه السلام به میثم تمار فرمود : شمشیر مرا بده . آقا شمشیر را از غلاف بیرون آوردند و روی زانوی مبارک قرار دادند . بعد به میثم فرمود : امروز کاری می کنم که گرد و غبار اندوه از چهره مردم کوفه

زودده می شود . امروز مردم کوفه چیزی از من خواهند دید که بر ایمان مومنین و نفاق منافقین می افزاید . میثم می گوید : دیدم از جلوی مسجد کوفه صدای همهمه می آید . نگاه کردم دیدم هزار شتر به همراه عده زیادی از مردم جمع شده اند که از شام آمده بودند و خواستار ملاقات با امیرالمومنین علیه السلام هستند. زنی از میان جمعیت بیرون آمد و عرض کرد : سلام بر دادرس بیچارگان ، سلام بر کسی که قبل از هر چیزی در این عالم بوده است ، سلام بر فارس حجاز . عرض کرد آقا جان من آمده ام که شما از من رفع تهمت بکنی. پدر این دختر گفت : در شام به من ابا الغضب می گویند و من اجازه نمی دهم دخترم آلوده دامن باشد . دخترم می گوید با هیچ مردی نبوده است ولی الان آبستن است . آقا به میثم فرمود : برو تمام مردم را کوفه را صدا بزن تا به اینجا بیایند . حضرت علیه السلام فرمود : قابله را صدا بزنید. قابله آمد و در یک مکانی (بیت الطشت) که پرده ای بود به بررسی وضعیت زن پرداخت . قابله پس از بررسی عرض کرد : آقا جان این زن وضع حمل دارد ولی هیچگونه اثری از ارتباط با نامحرم ندارد . در نهایت با درایت و تدبیر حضرت مولا علیه السلام مشخص می شود که یک زالو وارد شکم این زن شده بوده است و ظاهر این زن به مانند زن باردار شده است .

حضرت علیه السلام فرمود : ما به تمام علوم واقف هستیم . در بیانی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که : در بالای سر ما خدای متعال خورشیدی از نور قرار داده است که هر چیزی را بخواهیم بدانیم به آن نگاه می کنیم و جواب به صورت مکتوب در آن موجود می باشد .

یک نکته مهم این است که کسانی که به تبعیت از حضرت علی علیه السلام مشغول شدند طبق آیات ابتدائی سوره بقره چند ویژگی دارند:

الف) **الذین یقیمون الصلوه** ؛ اهل اقامه نماز .

ب) **و یوتون الزکوه** ؛ اهل پرداختن زکات .

ج) **و مما رزقناهم ینفقون** ؛ اهل انفاق .

د) **یومنون بما انزل الیک من قبلک** ؛ قبول تورات و انجیل .

و) **و هم بالآخره یوقنون** ؛ یقین به آخرت و معاد .

در انتهای آیه می فرماید : **اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون** ؛ هر کس که بر محور هدایت الهی باشد اهل صفات و ویژگی های فوق می باشد .

نکته اساسی و مهمی که باید بیان شود این است که در آیه ۱۵۹ بقره آمده است :

« **ان الذین یکنمون ما انزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون** »

نتیجه آیه این است که هر کس حضرت علی علیه السلام و ولایت ایشان را کتمان بکند مورد لعن و نفرین ذات اقدس اله قرار خواهد گرفت .

« **الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایه علی بن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه** »